



تاریخ انتشار: چهارشنبه 28 خرداد 1393

سیدحسین موسویان در گفتگوی اختصاصی با دیپلماسی ایرانی

ظرفیت غنی سازی گره اصلی در مذاکرات است/مشکلات منطقه ای مهم تر از پرونده هسته ای است



PHOTO: Omid Iranmehr

با تدبیر آقای صالحی اصطکاک میان ایران و آژانس در حال حاضر به حداقل رسیده است/ احتمال امضای توافقنامه موقت ۲ هم وجود دارد/ توافقنامه نهایی باید در چارچوب آن پی تی باشد/ در صورت شکست مذاکرات هسته‌ای، بحران انرژی در بازارهای جهانی محتمل است

دیپلماسی ایرانی - سارا معصومی : مذاکرات سخت و نفس گیر میان ایران و آژانس ادامه دارد. این روزها باز هم وین برای پنجمین بار از زمان امضای برنامه اقدام مشترک میان ایران و آژانس در ژنو، میزبان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به عنوان رئیس هیات مذاکره کننده و نمایندگان شش کشور مقابلی است که سالهاست برای گره گشایی از پرونده هسته ای ایران تلاش می کنند. مذاکراتی که عمر آن به بیش از یک دهه می رسد در این سالها میان سیاستمداران ایرانی از طیف های مختلف سیاسی دست به دست شده است اما کم و بیش می توان ادعا کرد که شاید شیوه مذاکرات در این سالها تغییر کرده است اما حقوق هسته ای که ایران ده سال پیش بر احیای آن پافشاری می کرد همچنان دست نخورده باقی مانده است. تیم هسته ای در



سید حسین موسویان

سید حسین موسویان دیپلمات، مذاکره کننده ارشد هسته‌ای سابق و از اعضای مؤسس حزب اعتدال و توسعه است. وی هم‌اکنون در دانشگاه پرینستون به عنوان پژوهشگر فعالیت می‌کند. موسویان در سال ۱۳۶۹ به عنوان نخستین سفیر ایران در آلمان متحد عازم بن شد.

مطالب بیشتر ...

دولت تدبیر و امید راه متفاوت و شفاف تری را برای مذاکره در پیش گرفته است. اکنون دیگر تمام رسانه های دنیا و مردم ایران و امریکا هم می دانند که مقام های تهران و واشنگتن برای رسیدن به توفیقی جامع تلاش می کنند و در مسیر این تلاش از دیدارهای دو جانبه و چندجانبه هم دریغ نمی ورزند. پرونده هسته ای ایران که مدتهاست تحت تاثیر لابی های صهیونیستی و چهره های تندروی امریکایی رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته است به چشم بسیاری از تحلیل گران باید هر چه زودتر حل و فصل شده و توافق بر سر آن مقدمه ای شود برای مذاکرات بیشتر میان ایران و غرب بخصوص امریکا در راستای مهار بحران های منطقه ای . هرچند تا پیش از این مذاکرات گفته می شد که تهران بر سر میز مذاکره تنها و تنها بر سر پرونده هسته ای خود با طرف غربی مباحثه می کند اما به نظر می رسد که بحران امنیتی ایجاد شده در عراق به واسطه

فعالیت های تروریستی گروه داعش هم این بار بخشی از وقت مذاکره کنندگان را به خود اختصاص داده است. ایران و ۵+۱ اعلام کرده اند که مذاکرات برای آغاز نگارش متن نهایی را آغاز خواهند کرد اما هنوز هیچ منبع موثقی این نکته را تایید نمی کند که آیا در دو روز گذشته دو طرف این حرکت را رسماً آغاز کرده و پیشرفتی هم در آن داشته اند یا خیر؟ سید حسین موسویان مذاکره کننده ارشد هسته ای سابق ایران در گفتگویی که همزمان با آغاز مذاکرات هسته ای در وین با دیپلماسی ایرانی داشت، تاکید کرد که تهران و ۵+۱، از ۵۰ درصد آسان اولیه برای رسیدن به توافق نهایی عبور کرده اند اما پر کردن نیم دیگر این لیوان در حقیقت سخت ترین جای کار است. **موسویان که هم اکنون در دانشگاه پرینستون به عنوان پژوهشگر فعالیت می کند** در دولت هاشمی رفسنجانی سفیر ایران در آلمان و در دولت خاتمی معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی (حسن روحانی) و عضو هیئت مذاکرات هسته ای ایران بود. آنچه در زیر می خوانید متن گفتگوی تفصیلی دیپلماسی ایرانی با وی است:

پنجمین دور از مذاکرات ایران و ۵+۱ در وین آغاز شده و این در حالی است که سرعت نزدیک شدن دو طرف به هم برای نگارش سند توافق نهایی کاهش یافته است. در چند ماه اخیر هر بار ایران و غرب با هم بر سر میز مذاکره نشسته اند موارد اختلافی بسیاری از فردو تا پارچین، از اصل غنی سازی تا راکتور آب سنگین اراک و ... مطرح شده است. از نظر شما اصلی ترین گره ی که امروز رسیدن به توافق را سخت تر کرده است، چیست؟

گره اصلی در خصوص ظرفیت غنی سازی اورانیوم در ایران است. امریکا و سایر کشورهای مقابل ایران در این مذاکرات اصل غنی سازی در ایران را پذیرفته اند اما اصرار دارند که ظرفیت غنی سازی ایران را در سطح محدودی باشد. اکنون سوال اینجاست که چرا امریکایی ها تا این اندازه به بحث ظرفیت غنی سازی در ایران شک دارند؟ حرف کارشناسان هسته ای در خارج از ایران این است که دستیابی به بمب هسته ای از دو مسیر ممکن است: غنی سازی اورانیوم و آب سنگین اراک. اکنون امریکا پس از ۳۵ سال مقاومت در برابر دستیابی ایران به هر دو مسیر ساخت بمب، پذیرفته است که ایران غنی سازی اورانیوم داشته باشد. با اینهمه در شرایطی این اصل در توافقنامه نهایی هم لحاظ خواهد شد که محدودیت هایی در خصوص ظرفیت غنی سازی اورانیوم از سوی ایران پذیرفته شده باشد و عملاً امکان ساخت بمب در زمان کوتاه وجود نداشته باشد. مساله دوم این است که اصرار امریکا و اروپا برای اینکه آب سنگین را به آب سبک تبدیل کنیم به این دلیل است که ایران هر دو طریق ساخت بمب را در اختیار نداشته باشد.

ایران و ۵ کشور مقابل آن در خصوص سطح غنی سازی زیر ۵ درصد توافق کرده اند و اکنون مساله موجود ظرفیت غنی سازی است. حرف ایران این است که ما به دنبال این هستیم که تمام سوخت مورد نیاز خود برای تمام راکتورها را به شکل بومی تولید کنیم. این در حالی است که غرب ادعا می کند که اگر ظرفیت غنی سازی ایران به جایی برسد که بتواند سوخت یک نیروگاه را تامین کند (به عنوان مثال برای تامین سوخت یک نیروگاه باید از سانتریفیوژ ۱ IR صد هزار مورد داشته باشیم) ایران دیگر قابلیت ساخت سریع بمب را هم خواهد داشت.

پس در این میان تضاد مرجعی میان ایران و غرب وجود دارد. ایران با استناد به آن پی تی تاکید دارد که غرب امکان تعیین ظرفیت غنی سازی برای یک کشور و متوقف کردن فعالیت راکتورهای آب سنگین آن را ندارد. از سوی دیگر غرب هم چندین قطعنامه رنگارنگ در دست دارد که در تمامی آنها بر لزوم غنی سازی صفر در ایران تاکید شده است.

بله، ایران هم ادعاهایی دارد مبنی بر اینکه بیش از ۳۰ سال است که امریکا در راس جبهه ای از جانب غرب تاکید می کند که ایران باید عضوی از جامعه بین المللی شود. در این میان تفسیر امریکا هم از جامعه بین المللی این است که تهران به کنوانسیونهای بین المللی احترام بگذارد. در خصوص فعالیت های هسته ای هم تنها معاهده مشروع معاهده منع تکثیر تسلیحات هسته ای موسوم به ان پی تی است. بر اساس ان پی تی، هیچ گونه محدودیتی بر سر راه غنی سازی اورانیوم وجود ندارد و علاوه بر این احداث تأسیسات آب سنگین را هم مجاز می داند. در حال حاضر هم برخی از کشورهای عضو ان

ایران و ۵ کشور مقابل آن در خصوص سطح غنی سازی زیر ۵ درصد توافق کرده اند و اکنون مساله موجود ظرفیت غنی سازی است

پی تی هم غنی سازی سطح بالا را دارند و هم از تاسیسات آب سنگین برخوردار هستند. ایران در چارچوب معادلات بین المللی سخن می گوید و این در حالی است که ۵+۱ خارج از این معادلات سخن می گوید. از سوی دیگر غربی ها قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل را در راس هرم مقررات بین المللی می دانند و اعتقاد دارند که قطعنامه های شورای امنیت بر تمام معاهده های دیگر برتری دارد. بر اساس قطعنامه های سازمان ملل هم ما باید غنی سازی و آب سنگین را تعلیق کنیم.

در شرایطی که ایران برای باز شدن این گره محدودیت در بحث ظرفیت غنی سازی را بپذیرد با انتقادهای داخلی از سوی مخالفان توافقنامه موقت ژنو روبه رو خواهد شد. در شرایطی که هم این محدودیت را بپذیریم و هم راکتور آب سنگین را به اب سبک تبدیل کنیم چه دستاوردهایی از این مذاکرات عاید ما شده است؟ منظور من از دستاورد ، دستاوردهای فنی است و نه مسایلی چون لغو تدریجی تحریم ها.

مساله اینجاست که ایران تا به این لحظه موفقیت های بیشماری را از آن خود کرده است . بیش از سه دهه بود که امریکا بر این مساله اصرار داشت که ایران حق برخورداری از نیروگاه هسته ای را ندارد و دلیل اعمال فشار امریکا بر المان ها برای متوقف کردن ساخت نیروگاه در ایران هم این مساله بود. امروز اروپا و امریکا پذیرفته اند که ایران می تواند نیروگاه هسته ای داشته باشد و محدودیتی هم برای تعداد آنها وجود ندارد. ما نباید فراموش کنیم که اصلی ترین چالش ما با غرب در خصوص نیروگاه هسته ای بوده که امروز حل شده است . در سه دهه گذشته حرف امریکا و اروپا این بود که ایران راکتور آب تهران را باید تعطیل کند و به همین دلیل میله سوخت هسته ای هم در اختیار ما قرار نمی دادند. غرب به دنبال این بود که با پایان عمر میله های سوخت هسته ای در این راکتور ، عملا تعطیل شود. امروز غربی ها پذیرفته اند که راکتور تهران به فعالیت خود ادامه دهد و علاوه بر این میله های سوخت هسته ای ایران را هم تامین می کنند. سومین دستاورد ایران این است که امریکا و اروپا در سه دهه گذشته مخالف پروژه هسته ای اصفهان بودند و در همین راستا به چین فشار آوردند تا همکاری خود با ایران در این پروژه را قطع کند. در حال حاضر پروژه اصفهان که تبدیل کبک به UF_۶ , UF_۴ است ، از سوی غرب پذیرفته شده است . در خصوص پروژه اراک هم با اصل پروژه کنار آمده اند اما اصرار دارند که به جای اب سنگین ، پروژه اب سبک وجود داشته باشد.

علاوه بر موارد گفته شده و مهمتر اینکه امریکایی ها با غنی سازی در ایران هم کنار آمده اند. فراموش نکنیم که اصلی ترین چالش ما با غرب در یک دهه گذشته مساله غنی سازی بوده است . در دو دهه اول انقلاب مساله ما با غرب احداث نیروگاه هسته ای بود و امروز هر دو این مساله از سوی غرب حل شده است. حرف غرب این است که ما این انعطاف ها را از خود نشان داده ایم و اکنون از شما می خواهیم که در مقابل ظرفیت غنی سازی از خود انعطاف مدنظر ما را نشان دهید. غربی ها از ایران می خواهند که با بسنده کردن به نطنز ، کار در فردو را تعطیل کنند. حرف دیگر غرب و روسیه این است که شما می توانید سوخت مورد نیاز برای نیروگاه های فعلی و آتی خود را از روسیه و بازارهای جهانی تهیه کنید و سوخت پروژه های اراک و تهران و سایر پروژه های تحقیقاتی را خودتان تهیه کنید.

شما در سخنان خود تاکید کردید که ایران و غرب بر سر سطح غنی سازی تا زیر ۵ درصد توافق کرده اند. این بدان معناست که این سطح از غنی سازی در توافقنامه جامع هم دست نخورده باقی خواهد ماند؟

در پاسخ به سوال شما باید به نکته بسیار کلیدی اشاره کنم و آن هم این است که ایران از ابتدا به دنبال غنی سازی بالای ۵ درصد نبود. اگر امروز از غنی سازی ۵ درصدی حرف می زنیم نباید تعبیر به عقب نشینی شود چرا که ایران از ابتدا چه در زمانی که آقایان لاریجانی مسئولیت پرونده را بر عهده داشتند و چه زمانی که آقای جلیلی مسئول بودند همواره تاکید داشته است که اگر میله سوخت تهران را در اختیار ما قرار دهید ما نیازی به غنی سازی بالای ۵ درصد نخواهیم داشت . ایران برای تمام فعالیت های خود مانند نیروگاه بوشهر به غنی سازی زیر ۵ درصد نیاز دارد. استراتژی ایران در حوزه هسته ای هیچ گاه غنی سازی بالای ۵ درصد نبوده است. زمانی در روزهای مدیریت آقای جلیلی بود که اروپایی ها با دهان کجی اعلام کردند که میله سوخت مورد نیاز ایران را در اختیارش قرار نمی دهند و بر همین اساس ایران هم برای تامین مسله سوخت مورد نیاز خود به غنی سازی ۲۰ درصد روی آورد. به نظر من ایران در آن

بر اساس قطعنامه های سازمان ملل هم ما باید غنی سازی و آب سنگین را تعلیق کنیم

زمان کار بسیار درستی هم انجام داد. در همان زمان هم آقای صالحی رسماً اعلام کرد که اگر غرب میله سوخت هسته ای را در اختیار ایران قرار دهد، تهران دست به غنی سازی ۲۰ درصد نخواهد زد. بنابراین اقدام ما برای غنی سازی بالای ۵ درصد معلول فشارهای غرب بود و امروز ایران با پذیرش داوطلبانه این مساله هیچ مشکلی ندارد.

ایران تاکید می کند که بر اساس ان پی تی، غرب حق اعمال محدودیت بر سطح غنی سازی را ندارد اما بر اساس سخنان شما ایران به دلیل بی نیازی می تواند داوطلبانه این محدودیت را بپذیرد. آیا این اقدام داوطلبانه به شکل رسمی مکتوب خواهد شد و آیا ما از پذیرش این محدودیت برای بازده زمانی موقت صحبت می کنیم یا دایم؟

پذیرش عدم غنی سازی بیش از ۵ درصد به عنوان یک اقدام داوطلبانه، غیرحقوقی و غیرتعهد آور حقوقی برای یک دوره اعتمادسازی میتواند مطرح باشد. این بدان معنا است که ممکن است ایران داوطلبانه تا ابد غنی سازی بالای ۵ درصد را نخواهد اما حاضر نیست در چارچوب ان پی تی متعهد شود که تا ابد خود را از این حق محروم خواهد کرد. یک مساله این است که ایران در هر شرایطی می خواهد حقوق قانونی خود را در چارچوب ان پی تی حفظ کند و بر اساس آن اگر روزی نیاز داشت اقدام به غنی سازی بالای ۵ درصد هم خواهد کرد. مساله دیگر هم ذات داوطلبانه بودن حرکت ایران است چرا که تهران در گذشته هم تاکید داشته است که به عنوان گام اعتمادساز برای یک دوره مشخص زمانی حاضر به غنی سازی تا زیر ۵ درصد است. علاوه بر این، ایران برای بازده زمانی اعتمادسازی در حوزه ممانعت از غنی سازی بالای ۵ درصد چندان در گیر و دار ۵ یا ۱۰ سال زمانی که مشخص خواهد شد نیست چرا که ما از ابتدا نیازی به غنی سازی بالای ۵ درصد نداشته ایم.

حرف دیگر غرب و روسیه این است که شما می توانید سوخت مورد نیاز برای نیروگاه های فعلی و آتی خود را از روسیه و بازارهای جهانی تهیه کنید و سوخت پروژه های اراک و تهران و سایر پروژه های تحقیقاتی را خودتان تهیه کنید

شما در ابتدای سخنان خود اشاره کردید که یک کشور از طریق بالابردن ظرفیت غنی سازی و راکتور آب سنگین می تواند به بمب هسته ای دست پیدا کند و امریکا تمایلی ندارد که ایران از هر دو این تکنولوژی ها برخوردار باشد. براساس گفته های شما غرب اصرار دارد که ایران محدودیت در ظرفیت غنی سازی را بپذیرد و این در حالی است که گفته می شود راکتور آب سنگین هم برای کاستن از نگرانی های غرب احتمالاً به راکتور آب سبک تغییر ماهیت خواهد داد. ساز و کار این تغییر به چه شکل خواهد بود؟

شاید بهتر باشد برای روشن تر شدن ذهن در این خصوص توضیحات فنی اولیه ای داده شود. در خصوص مساله راکتور اراک ما با دو پروسه روبه رو هستیم. یک مساله تغییرات تکنیکی و فنی است که در نتیجه آن میزان پلوتونیوم را در حد کم نگاه داریم. هر کشوری برای ساخت یک بمب به ۱۰ کیلوگرم پلوتونیوم نیاز دارد. ظرفیت فعلی اراک به گونه ای است که در صورت راه اندازی در یک سال توان تولید ۹ کیلوگرم پلوتونیوم را دارد. سازمان انرژی اتمی ایران پیشنهاد کرده است که با اعمال برخی تغییرات تکنیکی، ایران راکتور آب سنگین را خواهد داشت اما میزان تولید پلوتونیوم به حدود یک کیلوگرم در سال خواهد رسید. این همان مساله ای است که در طرح دانشگاه پرنیستون هم به آن پرداخته شده است. بر اساس این طرح، درخواست غرب برای طولانی شدن بازه زمانی مورد نیاز ایران برای BREAK out طولانی تر خواهد شد و حتی اگر ایران به فکر دستیابی به بمب اتمی هم بیفتد به ده سال زمان نیاز خواهد داشت. مساله دیگری که در این میان از سوی غرب مطرح می شود، بازفرآوری پلوتونیوم است. ایران هیچ گاه به دنبال بازفرآوری پلوتونیوم نبوده است. بنابراین بر اساس این طرح نه از مقدار پلوتونیوم بالا خبری است و نه از بازفرآوری که البته هیچ گاه ایران بنای انجام آن را نداشته است.

با این اوصاف مساله راکتور اراک دیگر یکی از گره های اصلی در روند مذاکرات ایران و ۱+۵ نیست و نخواهد بود ؟

به نظر من در شرایطی که در خصوص برخی موارد اختلافی دیگر توافقی حاصل شود، ایران و طرف مقابل می تواند در ساعت ۱۲ نیمه شب، بیستم جولای بر روی یک فرمول برای باز کردن این گره توافق کنند. هنوز در جریان مذاکرات ایران اصرار می کند که ما اراک را به شکل راکتور آب سنگین می خواهیم و غرب هم تاکید می کند که تهران باید آن را به راکتور

آب سبک تغییر دهد. اما به گمان من در نهایت دو طرف می توانند بر روی فرمولی که در بالا قید شد ، به توافق برسند. گره اصلی در ظرفیت غنی سازی است که هنوز هیچ گونه توافقی بر روی آن حاصل نشده است.

پذیرش عدم غنی سازی بیش از ۵ درصد به عنوان یک اقدام داوطلبانه ، غیرحقوقی و غیرتعهد آور حقوقی برای یک دوره اعتمادسازی میتواند مطرح باشد

اخیرا المانی‌تور در مقاله ای از طرحی جدید با ذکر نام شما گزارش داده است که در آن از تعویض نسل های قدیمی سانتریفیوژ در ایران سخن گفته است و البته ایجاد یک تاسیسات غنی سازی چندجانبه یا همان کنسرسیوم هسته ای. شاید بهتر باشد جزئیات بیشتر این طرح را که با انتقاد شدید دیوید آلبرایت و رابرت آینه‌ورن هم روبه رو شد، از زبان خود شما بشنویم.

طرحی که شما از آن صحبت می کنید طرح دانشمندان هسته ای دانشگاه

پرینستون است. نویسندگان این طرح یکی از بهترین تیم های متخصص در امور هسته ای در سطح جهانی هستند. جواد ظریف در یکی از سخنرانی های اخیر خود اشاره کرد که در زمان سفارت خود طرحی را برای ارائه به سه کشور اروپایی تهیه کرده بود و برخی از افراد ثابت آن گفتگوها در آن زمان در نگارش این متن اخیر هم دخالت داشته اند. این طرح شامل چند محور است که نخستین محور آن لزوم ادامه غنی سازی در ایران است. دومین محور هم برخورداری ایران از پیشرفته ترین نسل سانتریفیوژها است. سانتریفیوژهای IR ۱ متعلق به نیم قرن پیش هستند و از منظر اقتصادی به صرفه نیستند و به همین دلیل است که ایران به سمت ساخت سانتریفیوژهای پیشرفته تر رفته است. در شرایطی که غرب با این مساله کنار بیاید ایران به دو یا سه سال زمان برای تحقیقات و توسعه نیاز دارد تا بتواند آخرین نسل پیشرفته تکنولوژی سانتریفیوژ را توسعه داده و به بهره برداری برساند. این زمان می تواند همان زمان مورد نیاز غرب برای اعتمادسازی هم باشد. اگر غرب با این مساله کنار بیاید ایران هم برد خود را داشته است چرا که نسل غیراقتصادی از سانتریفیوژها به نسل پیشرفته و اقتصادی تبدیل خواهد شد که می تواند آخرین مدل روز هم باشد. توجه داشته باشیم که نگرانی غرب از برنامه هسته ای ایران در حقیقت نگرانی ساختگی است که ساخته و پرداخته دست اسرائیلی ها است و مدت زمان تعیین شده در این طرح برای تحقیق و توسعه تهران می تواند به جلب اعتماد غربی ها هم کمک کند.

حرف غرب این است که ایران نیازی به تامین بومی سوخت بوشهر ندارد و میتواند به خرید آن از روسیه همچنان ادامه دهد. بر اساس این ادعا ایران با ۲ یا ۳ هزار سانتریفیوژ می تواند سوخت مورد نیاز اراک و تهران را تامین کند و سوخت مورد نیاز بوشهر را هم حتی پس از اتمام قراردادی که ۷ سال از آن باقی مانده است باز هم از این کشور خریداری کند. بر اساس طرح دانشگاه پرینستون ، ایران می تواند سوخت مورد نیاز در بوشهر را هم تامین کند. من در بهار ۱۳۸۴ ایده ایجاد کنسرسیوم مشترک را به عنوان یک شیوه اعتمادسازی منطقه ای و بین المللی در مصاحبه با خبرگزاری ایتار تاس مطرح کردم. در آن زمان من سخنگوی تیم مذاکره کننده هسته ای بودم اما از ایده من استقبال نشد و حتی برای در داخل من را سرزنش هم کردند. بعدا آقای احمدی نژاد همین ایده را در سازمان ملل ارایه کرد. اما دلیل مخالفت های البرایت و اینهورن با طرح پرینستون این است که علاوه بر این که ادعا می کنند این طرح تحت تاثیر لابی ایران نوشته شده این است که آنها مخالف تهیه سوخت نیروگاه بوشهر توسط ایران هستند.

دلیل آن مخالفت ها و سرزنش ها چه بود؟ دلیل مخالفت های داخلی اندکی قابل درک است اما چرا طرح شما با مخالفت غرب روبه رو شد ؟

سفرای سه کشور اروپایی بلافاصله با من ملاقات داشتند و تاکید کردند که با این طرح مخالف هستند چرا که برای تشکیل کنسرسیوم بین المللی و منطقه ای، باید آخرین تکنولوژی سانتریفیوژ را در اختیار این کنسرسیوم قرار گیرد. مساله ای که اینجا باید مدنظر داشت این است که در بحث تشکیل کنسرسیوم نخستین مساله این است که باید پروژه اقتصادی باشد. برای اقتصادی بودن این طرح باید از پیشرفته ترین نسل سانتریفیوژها استفاده شود.

این همان طرحی است که آقای احمدی نژاد هم از آن سخن گفته بود؟

بله، در شهریور ماه ۱۳۸۴ این ایده کنسرسیوم هسته ای بین المللی توسط آقای احمدی نژاد در سازمان ملل هم مطرح شد. محور دیگری از پیشنهادی دانشگاه پرینستون بر اساس همین طرح اعلام شده از سوی آقای احمدی نژاد است. پیشنهاد من در بهار همان سال همین بود اما زمانی که از زبان رئیس جمهور ایران مطرح شد بیشتر مورد توجه قرار گرفت. در خصوص

جزئیات این طرح هم باید در مذاکرات سخن گفت.

شاید یکی از انتقادهای داخلی به شما در زمان طرح این ایده هم تلاش برای بیرون بردن غنی سازی از خاک ایران بوده است. آیا این طرح شما به نوعی غیربومی سازی کردن این روند نیست و آیا نمی تواند به نوعی غرب را به سمت دعوت ایران برای غنی سازی صفر در خاک خود و تامین نیاز از بازارهای جهانی سوق دهد؟

من با بومی سازی غنی سازی اورانیوم در ایران صد در صد موافق هستم اما حرف ما این است که ما به غنی سازی بومی دسترسی پیدا کرده ایم. ایران در حال حاضر غنی سازی بومی را در اختیار دارد و این توانایی نیست که به دلخواه غرب قابل تغییر باشد. ایران هم به دانش سخت افزاری و هم نرم افزاری این تکنولوژی دست پیدا کرده است. نظر شخصی من این است که در قالب یک همکاری منطقه ای بین کشورهای منطقه یعنی ایران ، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و عراق این حرکت باید شکل بگیرد. در این چارچوب، همکاری های جامع منطقه ای اعم از سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی جا می گیرد و بحث عاری سازی خلیج فارس از کشتارهای دسته جمعی هم می تواند جزئی از این طرح باشد. در این زیرمجموعه بحث کنسرسیوم هسته ای هم قرار می گیرد. بنابراین به اعتقاد من ما از غنی سازی بومی گذشته ایم و می توانیم رهبری غنی سازی منطقه ای را بر عهده بگیریم. به گمان من ایران می تواند در مسیر اعتمادسازی منطقه ای گام بردارد و همسایگان و دیگر کشورهای منطقه را هم در این دانش شریک کند. البته ایده ال من این است که همکاری های ما با کشورهای منطقه ای در حوزه هسته ای باید در قالب یک سازمان منطقه ای فراگیر باشد. سوژه این همکاری منطقه ای هم باید فراتر از انرژی هسته ای و مبارزه با تسلیحات کشتار جمعی باشد و هم مسایل و دغدغه های دیگری چون تروریسم. آنچه که در ذهن من است همکاری های منطقه ای میان ما درست مانند کشورهای اروپایی است. ما و کشورهای خلیج فارس باید مانند کشورهای اروپایی همکاری همه جانبه عمل کنیم. در طرح پرینستون هم به این نکته اشاره شده است که اروپا هم یک ساز و کار کنسرسیوم هسته ای دارد به اسم یورنکو. اتحادیه اروپا مانند اتحادیه خلیج فارس که در ذهن من است یک ساز و کار غنی سازی منطقه ای دارد. شاید مردم ایران نمیدانند که آمریکا با همه عظمتی که دارد اصلا غنی سازی بومی و ملی ندارد. یک سایت بزرگ غنی سازی در آمریکا فعال است که متعلق به اروپایی ها یا همان یورنکوست. از میان کشورهایی که عضو آن پی تی هستند فرانسه ، روسیه و ژاپن غنی سازی ملی دارند و مابقی غنی سازی منطقه ای دارند . علاوه بر این برزیل و آرژانتین هم در قالب یک قرارداد مشترک منطقه ای نیاز خود را تامین می کنند. آرژانتین هم غنی سازی ملی و بومی خود را متوقف کرده است. حرف من این است که ما با داشتن غنی سازی بومی، رهبری غنی سازی منطقه ای را بدست بگیریم.

با توجه به صحبت های شما نیاز به باز کردن یک پراتز برای بحث سیاسی است . طرح شما برای تشکیل کنسرسیوم هسته ای بسیار ایده ال است اما به نظر می رسد که در منطقه خاورمیانه ای که کشورهای عضو آن در تنش با هم به سر می برند ؛ پدیده تروریسم هم هر روز پررنگ تر از دیروز می شود و اسرائیل هم در آن هر روز دست به تنش زایی جدیدتری می زند امکان عملی پیاده کردن چنین طرحی حداقل در بازه زمانی کوتاه یا میان مدت دور از ذهن باشد.

ایران اسرائیل را به عنوان یک عضو از خاورمیانه به رسمیت نمی شناسد.

به هر حال کارشکنی های همین عضو غیررسمی و نامقبول تا به امروز بر پیچیده گی های پرونده هسته ای ایران افزوده است.

بله از این منظر حق با شماست اما دولت ایران ، اسرائیل را عضوی از خاورمیانه نمی داند. همانطور که شما گفتید بحران میان اعضا مانند ایران و عربستان وجود دارد و البته بحران در عراق و تنازع منطقه ای میان شیعه و سنی و رواج تروریسم هم منطقه را در بر گرفته است. بنابراین من معتقد هستم که بیش از مساله هسته ای این همکاری های منطقه ای در خلیج فارس است که برای ایران از اهمیت حیاتی و استراتژیک و مهمی برخوردار است. بر همین اساس ایران ، عراق و شورای همکاری خلیج فارس باید یک پیمان امنیتی برای تامین صلح و ثبات در منطقه امضا کنند و در آن مبارزه مشترک با تمام دغدغه های مشترک را هم جا دهند. مشکلات موجود در منطقه بسیار مهم تر و حیاتی تر از پرونده هسته ای ایران هستند. مساله هسته ای ایران که امری ساختگی است و مساله واقعی خطر تروریسم و نیروهای تکفیری است. برای مهار این مسایل

هم هیچ راهی جز تفاهم مشترک منطقه ای وجود ندارد.

شما تاکنون بارها در نوشته های خود تاکید کرده اید که ایران برای کاهش نگرانی های غرب در خصوص انحراف در برنامه هسته ای می تواند مجوز نظارت های دقیق را صادر کند. در برنامه اقدام مشترک ایران مجوز بسیاری از بازدیدهای سرزده و ضبط فعالیت های هسته ای خود را داده است. به نظر شما در توافقنامه سند جامع نهایی ایران علاوه بر امضای پروتکل الحاقی باید دست به چه همکاری های داوطلبانه دیگری هم بزنند؟

به نظر من روند و سطحی از همکاری که ایران با آژانس آغاز کرده است ، می تواند ادامه یافته و کافی هم باشد. البته که در مرحله نهایی ایران باید پروتکل الحاقی را هم امضا کند و امکان ندارد که درخواست از ایران برای امضای پروتکل الحاقی در توافقنامه نهایی نباشد. کشوری که پروتکل الحاقی را امضا می کند در حقیقت به نهایت شفافیت سازی برنامه هسته ای خود تن داده است. ایران در تمام مذاکرات هسته ای خود از زمان ریاست آقای روحانی بر تیم هسته ای تا به امروز عملاً مفاد پروتکل را اجرا کرده است البته با این تفاوت که در دوره آقای روحانی به مدت یک سال و نیم این پروتکل اجرا شد اما در دوره های آقایان لاریجانی و جلیلی اجرای آن موردی بود و مورد به مورد به آژانس برای دسترسی به مفاد مدنظر در پروتکل اجازه داده شد. در این دوره ها حتی دسترسی هایی فراتر از پروتکل هم داده شده بود. بنابراین من گمان نمی کنم که نحوه بازرسی ها و دسترسی ها به تاسیسات هسته ای ایران مانعی بر سر راه به توافق رسیدن طرفین باشد. در حال حاضر هم روالی که سازمان انرژی اتمی با مدیریت شخص صالحی آغاز کرده و پیش می برد بسیار قابل قبول و مدبرانه است. اصطکاک میان ایران و آژانس در حال حاضر به حداقل رسیده است و این کمک بزرگی به مذاکرات می کند.

شمارش معکوس برای به پایان رسیدن عمر ۶ ماهه برنامه اقدام مشترک ژنو آغاز شده است. آیا ایران و طرف های مقابل تا ۲۰ جولای به توافق خواهند رسید؟ در صورت عدم توافق چه سناریوهایی پیش روی دو طرف خواهد بود؟

برداشت من این است که ایران و ۵ کشور روبرو روی آن در این مذاکرات ۵۰ درصد مسیر را طی کرده اند. البته باید تاکید کنم که ۵۰ درصد اول ساده بود اما ۵۰ درصد دوم بسیار سخت است. سه احتمال را باید در نظر گرفت. احتمال اول که من امیدوار هستم که ۲۰ جولای توافق نهایی امضا شود و البته این امر را شدنی هم می دانم. به باور من در این مرحله این غرب است که باید با واقع بینی از زیاده خواهی ها فاصله بگیرد.

احتمال دوم این است که توافقنامه موقت ۲ امضا شود. در این توافقنامه هر آنچه را که تاکنون بر سر آن به توافق رسیده اند مکتوب شود و متقابلاً پاره ای از تحریم ها دیگر ی هم برداشته خواهد شد. بخشی باقی مانده هم برای توافق نهایی که می تواند در ماه نوامبر باشد باقی خواهد ماند.

البته ایران و ۵+۱ در همان توافقنامه اولیه تاکید کرده اند که تا بر سر همه چیز مذاکره نکنیم بر سر هیچ چیز مذاکره نکرده ایم.

بله. بر این اساس سناریو سوم که تمدید روند فعلی بدون توافق رسمی است، بر روی میز قرار می گیرد.

به نظر می رسد که در دو ماه اخیر اندکی از فشارهای کنگره و سنا و سایر لابی های ضدایران بر اوپاما کاسته شده است اما زرمه هایی شنیده می شود که با نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات کنگره در امریکا در ماه نوامبر ، عدم به نتیجه رسیدن مذاکرات در ۲۹ تیر ماه می تواند بر فشارها بر کاخ سفید بیفزاید. این در حالی است که مخالفان مصالحه با ایران بارها و بارها تاکید کرده اند که توافق نکردن بهتر از توافق بد است. این توافق بد از نگاه آنها چه مسایلی را در برمی گیرد؟

با اطلاعاتی که من دارم واشنگتن در ۵۰ سال گذشته هیچ گاه در مورد هیچ مسئله ای همچون مسئله هسته ای در این سطح تحت فشار داخلی و خارجی نبوده است. جبهه بی سابقه ای متشکل از جناحی از اعراب، منافقین، گروههای رادیکال و فشار داخلی آمریکا، لابی های متعدد در داخل آمریکا و اسرائیل شکل گرفته و فشار سهمگینی را روی دولت اوپاما ساماندهی کرده اند تا از مصالحه هسته ای ایران و قدرتهای جهانی و رفع تخاصم میان تهران و واشنگتن جلوگیری کنند.

گروه فشار مذکور از دولت اوپاما می خواهد حال که اصل غنی سازی درایران را پذیرفته، کاری کند که برنامه هسته ای ایران درحد یک برنامه سمبلیک و نه یک برنامه برای تأمین نیازهای واقعی سوخت هسته ای ایران، باقی بماند. تعطیلی پروژه آب

سنگین اراک و تعطیلی سایت هسته ای فردو از اصلی ترین مطالبه های این گروه است. مخالفان مصالحه با ایران تمام تلاش خود را برای در فضای وهم آمیز و عیرواقع بینانه قرار دادن مذاکره کنندگان به کار می گیرند. ایران و ۵+۱ باید مراقب اقدام های مخرب این لابی ها باشند. دو طرف باید در مسیر نیل به یک معامله ابرومندانه، واقع بین هم باشند. اصول این توافقنامه باید در چارچوب ان پی تی باشد و این در حالی است که این روزها شاهد این مساله هستیم که آمریکا و قدرتهای جهانی بدنبال تحمیل اقداماتی بر ایران هستند که فراتر از معاهده N.P.T است. این حرکت ها مشروعیت ان پی تی را هم زیر سوال می برد و باید از آن حذر کرد.

این روزها بحران های جاری در منطقه از سوریه تا عراق به گونه ای لزوم عبور ایران و امریکا از فراز و نشیب های پرونده هسته ای و همکاری در سایر حوزه ها را می طلبد. همزمان برخی از احتمال همکاری تهران و واشنگتن در مهار بحران داعش سخن می گویند. دستیابی ایران و ۵+۱ به موفقیت در حوزه هسته ای می تواند بر سایر دغدغه های مشترک تاثیرگذار باشد یا خیر؟

همانطور که شما اشاره کردید خاورمیانه با بحرانهای جاری همچون بحران سوریه و عراق دوران آسیب پذیری بی سابقه ای را آغاز نموده که در صورت عدم چاره اندیشی سریع، روند **failed region** به **failed states** رقم خواهد خورد، وضعیتی که نه قدرتهای بزرگ و نه قدرتهای منطقه ای قادر به مدیریت آن نخواهند بود. حصول توافق نهایی بین ایران و قدرتهای جهانی در پرونده هسته ای، می تواند نقطه آغاز تحولات استراتژیک جدیدی در منطقه خاورمیانه باشد. با حل بحران هسته ای ایران درب ها برای دیالوگ و همکاری قدرتهای منطقه ای همچون ایران و عربستان و ترکیه برای مدیریت بحرانهای منطقه ای باز خواهد شد.

فراموش نکنیم که بحران هسته ای ایران یک بحران مصنوعی ساختگی صهیونیست جهانی است که باعث شده ایران، قدرتهای جهانی و قدرتهای منطقه از بحرانهای جدی و واقعی همچون طغیان خطرناک ترین نوع تروریسم در خاورمیانه غافل بمانند. با بسته شدن پرونده این بحران ساختگی، پرونده بحرانهای واقعی باز و زمینه تعامل ایران و قدرتهای جهانی در مورد این بحرانها فراهم خواهد شد.

آیا کشورهایی چون عربستان که از نزدیکی احتمالی تهران - واشنگتن در برخی پرونده های منطقه ای واهمه دارند هم از دستیابی ایران و ۵+۱ به توافق هسته ای استقبال می کنند؟

در صورت شکست مذاکرات هسته ای، بحران انرژی در بازارهای جهانی محتمل است. زیرا وضعیت دو تولید کننده بزرگ نفت یعنی عراق و لیبی بسیار شکننده است

مساله اینجاست که در حال حاضر دیپلماسی فعلی قدرتهای منطقه براساس **Blame Diplomacy** استوار است که هیچ نتیجه ای بجز گسترش بحران و خصومت نداشته و نخواهد داشت. عربستان و سایر کشورهای عرب منطقه اولین قربانی تروریسم کور تکفیری ها خواهند بود. در بین کشورهای

منطقه اول ایران و بعد ترکیه آسیب پذیری کمتری نسبت به طغیان تروریسم کور تکفیری ها خواهند داشت. کشورهای عربی و جهان غرب و در رأس آن آمریکا و اسرائیل بیشترین ضربه پذیری را تجربه خواهند کرد.

مساله دیگری هم که باید مد نظر قرار داد این است که در صورت شکست مذاکرات هسته ای، بحران انرژی در بازارهای جهانی محتمل است. زیرا وضعیت دو تولید کننده بزرگ نفت یعنی عراق و لیبی بسیار شکننده است و آسیب پذیری کشورهای نفتی حاشیه خلیج فارس نیز بر قدرتهای جهانی پوشیده نیست. ایران با ذخائر عظیم نفت و گاز، یکی از باثبات ترین منابع تأمین انرژی جهان است. تحریمهای جاری به امنیت انرژی لطمه زده و شکست مذاکرات هسته ای، به بی ثباتی در بازارهای جهانی انرژی دامن خواهد زد.

<dynamic-0#####>